

بررسی و نقد ارای صادره هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

در سالهای اخیر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

حسین ولی زاده^۱

دوره دکتری حقوق خصوصی

ارشد حقوق اقتصادی

دوره ارشد حقوق عمومی

چکیده

«مستدل و مستند نبودن آرای قضایی» از اصول حقوقی پذیرفته شده حاکم بر هر مرجع قضایی و شبه قضایی است و می‌توان آن را یکی از نتایج اصل برائت و همچنین یکی از پیش شرطهای اجرای عدالت در حل و فصل قضایی اختلافها دانست. این قاعده نه تنها همواره جزئی از قوانین آیین دادرسی ایران بوده است، بلکه اصل ۷۸ متمم قانون اساسی مشروطیت و اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تاکید کرده‌اند. از این رو، بدیهی است دیوان عدالت اداری به عنوان یکی از مراجع قضایی نشئت گرفته از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشمول این قاعده است. در این نوشتار به بررسی پابندی هیئت عمومی دیوان به قاعده فوق می‌پردازیم و توصیفی تحلیلی، مواردی از نقض قاعده مذکور در استناد هیئت عمومی دیوان به قوانین عادی را مطرح می‌کنیم و ملاحظه خواهیم کرد که این نقض به سه شکل «نقض در مستندات قانونی و استدلال‌های حقوقی»، «عدم استناد به قانون مشخص» و «عدم استناد به مواد مشخص قانونی» است. این بررسی همچنین نشان می‌دهد دو پیامد عمده نقض این قاعده صدور «آرای اشتباه و تردیدآمیز» و «تصویب مصوبه‌هایی با محتوای مشابه مصوبه‌های ابطال شده قبلی» است. از این رو، با در نظر گرفتن اینکه هیات عمومی دیوان، مرجع منحصر به فرد شکایت از مصوبه‌های دولتی است و تصمیماتش تحت نظارت هیچ مرجع دیگری نیست، به حق می‌توان انتظار داشت برای رعایت دقیق این قاعده، بیشتر تلاش کند؛ به ویژه آنکه پیامدهای رأی اشتباه این

مرجع در ابطال یا عدم ابطال یک مصوبه دولتی، بر خلاف آرای سایر مراجع قضایی، محدود به فرد شاکی نیست و می‌تواند گروهی فراوان از مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: مستدل و مستند بودن آرای قضایی، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ادله اثبات حکم قوانین عادی، قانون اساسی

مقدمه

«مستدل و مستند بودن آرای قضایی» را که بعضاً مهم‌ترین قاعده حکم بر انشای رأی قضایی و یکی از اصول مسلم دادرسی دانسته‌اند (آگاه، ۷۰، ۱۳۸۹). به طور قطع یکی از پیش شرط‌های اجرایی عدالت است؛ زیرا دادرسی منصفانه منوط به شفافیت است و بخش مهمی از شفافیت، مستلزم مستدل و مستند بودن رأی قضایی است. (ویژه و کتابی رودی، ۲۰۰، ۱۳۹۳). در توضیح این قاعده باید گفت هر دعوای مطرح در یک مرجع قضایی دارای دو جنبه اساسی است و هر دو جنبه باید در رأی قاضی لحاظ شود: جنبه اول، امور موضوعی است و جنبه دوم، امور حکمی (دیانی، ۱۲، ۱۳۸۱). در جنبه حکمی «اختلاف در بودن و نبودن قانون یا مفاد مدلول قانون و تفسیر آن است» و در جنبه موضوعی، «اختلاف در صحت و سقم بعضی روابط و الزامات، وقوع یا عدم وقوع افعال و اعمال است. (مدنی، ۱۳۷۷: ۱۸). به عبارت دیگر، «استناد عبارت است از یافتن حکم قانون و استدلال، عبارت از تحلیلی است که قاضی در خصوص علت اعمال حکم قانون بر موضوع معین بیان می‌کند». (ویژه و کتاب رودی، ۱۳۹۳: ۲۰۰)

در خصوص منشاء قانونی قاعده مستدل و مستند بودن آرای قضایی در ایران باید گفت قوانین ایران از ابتدا تا کنون بر لزوم رعایت این قاعده تأکید داشته‌اند. اولین قانونی که صراحتاً به این قاعده اشاره کرد، اصل ۷۸ متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۶ بود که بیان می‌کرد: «احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوای فصول قانونیه که بر طبق آن‌ها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود». در حال حاضر نیز مهم‌ترین مبنای قانونی این قاعده را می‌توان در اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ مشاهده کرد که بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری